

ریشه رقص‌های آئینی

تربت جام

گفتگو با دکتر قدیمی

کشاورزی انسان یکجانشین می‌شود و انبار می‌سازد. انسان به رموز کاشت و داشت و برداشت محصولات پی می‌برد و این برایش بزرگترین آیین می‌گردد.

یکی از ریشه‌های آئینی بازی‌هایی که در تربت جام انجام می‌شود. خواستگاه و فلسفه‌اش در همین تفکر است.

□ آقای دکتر بازی چوب هم در همین ارتباط است؟

■ بازی چوب عبارتست از حراست و حفاظت انسان از کشت و کشتزارش که خود رزم و حماسه است!



□ آقای دکتر خودتان را معرفی کنید؟

■ علی اکبر قدیمی - تحصیلاتم در رشته جامعه‌شناسی

□ کمی در باره تربت جام بگویید؟

■ تربت جام ۴۵ کیلومتر با ترکمنسان مرز مشترک دارد. سرزمین افراسیاب - سرزمین ایران، محدوده و محل برخورد جنگ‌های بهرام چوبین و خسرو پرویز بوزگان محلی در اطراف تربت جام نزدیک مرز افغانستان است ابوالوفابوزگانی اهل بوزگان از بزرگترین منجمین زمان خویش بوده‌است.

□ ریشه‌های نمایشی رقص‌های آئینی را اگر موجود است بفرمایید؟

■ در تربت جام بجای کلمه رقص از کلمه بازی استفاده می‌شود. در این نوع بازی‌ها ریشه‌هایی از علم دیده می‌شود.

تعداد بازیکنان یکی از بازی‌های تربت جام به نام «آفر» دوازده نفر است. «آفر» از مصدر آفریدن می‌آید به معنی خلق کردن یا آبر یا آبره که همه‌شان ریشه پهلوی دارند. بمعنی اوج، بالا، از نیستی به هستی آوردن.

در دوازدهمین روز از کشت، قبل از اینکه کشت انجام شود.

دوازدهمین روزی که دهقان می‌خواهد اولین بیل را به زمین

بزند و زمین را شخم کند. می‌بایستی این مراسم آئینی انجام شود.

«آفر» یا «آبر» دو قسمت دارد یکی «آفر بالا پرده» یا «آبر بالا پرده»

پرده و دیگری «آفر پایین پرده» یا «آبر پایین پرده». «آفر بالا پرده»

بقول بسیاری از هنرمندان تربت جام از جمله استاد محمد فارغ

کیانی‌پور عبارتست از: نوعی مراقبه و تفکر یعنی دقیقاً ذهن را

کاشتن و با یک نیروی ارتباط پیدا کردن. «آفر بالا پرده» که یک

حرکتش بیشتر موجود نیست و در فوئیه هم انجام می‌شود.

مرشد اعظم یا مرشد کل برای انجام این حرکت. دست راستش

را بالا می‌گیرد و سر را متمایل به دست راست. دست چپش را

بطرف پایین می‌گیرد. در واقع با این حرکت از آسمان بالا نیرو و

مدد می‌گیرد و به زمین می‌دهد. در گذشته بیست حرکت و فیگور و

ریتم داشته است که در حال حاضر یکی از این حرکات بیشتر نیست.

«آفر پایین پرده» عبارتست است از اینکه وقتی که انسان نیرو

می‌گیرد از یک آفریده کل در قدیم اسمش را اهورامزدا، ناهید

(آناهیتا) یا خدا و ایزد آنها نامیده می‌شد که مدرسان انسان‌ها بودند.

اگر انسان به نیروی ماورالطبیعه معتقد باشد آندیشه‌اش بارور

می‌شود. آندیشه و ذهن که کاشته شد آنوقت روی زمین کار می‌کند،

«آفر دوم» را «آفر نیل بانی» یا «آفر سیه بانی» می‌گویند. یعنی انسان

است و کار و کوشش ... و از تقابل این دو چیزی تولید و پدیدار

می‌شود. اولین دل مشغولی انسان اولیه غذا بوده است، بعد از انقلاب

□ در اوستا مطلبی هست که در آن اشاره می‌شود به اینکه جمشید که

همان حضرت نوح باشد. گرایش به گیاهخواری و خام‌خواری را ستوده و

در وجه مقابل آن پخته خوردن را نکوهیده است و در همین ارتباط

پرداختن به کشاورزی و پرهیز از هر نوع خونریزی را ترویج می‌کرده؟

■ زمانی که فرآیند ایزدی از جمشید بر می‌تابد همان‌وقت است که اسب

را می‌کشد و خوردن گوشت آغاز می‌شود. و مراسم میت خواری یا

مرده خواری و از این قبیل داستان‌ها پا می‌گیرند.

□ همین عناصر در تخت جمشید وجود دارد بعنوان ورزهای بالدار که

سمبل کشاورزی آسمانی نوح یا نخستین جمشید است. در تاریخ چین هم

به این مسئله اشاره شده است. در دوره هخامنشی که نزدیک بین‌النهرین

است حروف هم براساس گرامیداشت گیاه و پرهیز از هرگونه خونریزی و

کشتار شکل میخی نهال‌گونه دارد با دو شاخه که عدد هفت را القا می‌کند!

■ وقتی سماع عارفانه و هنر اسطوره‌ای، بازی هَتم (که عبارتست از

کرانه‌های کوهستانی با شیر بیشه)، بازی‌های حنائی یا پلئان (به معنی

مشق پلئان که بازی است بسیار حماسی و رزمی)



کیانی بازی‌ها را اجرا می‌کردند در یکی از این حرکات ریشه نوعی پانتومیم را دید.

تمام اعضا روستاهای تربت جام بازی‌های آئینی را انجام می‌دهند، زن و مرد، بازی «آفر» توسط مردها اجرا می‌شود. چون زن مظهر باروری است. رحم زن آماده گرفتن بار است و این مرد است که باید تخم را بکارد. زمین در حکم زن است و مرد در حکم انسانی که کار می‌کند.

این مرد است و انسان است که باید زمین را مادر مهربانی‌ها و نگهدارنده انسان را که آماده بذر و تخم گرفتن است بارور کند.

در تمام این موارد بازی‌های آئینی موجود است. حتی در مرحله‌ای انسان در روز زمین که هیچ سبزه‌ای از آن بیرون نیامده حرکات سمبلیک انجام می‌دهد و دعا می‌کند که کشت، زیرزمین بروید. در روی این زمین راه نمی‌رود بلکه با کف پایش که جزئی از بدن اوست زمین را لمس می‌کند. با آن عشق ورزی می‌کند و از مادر زمین تشکر می‌کند. بعد نوبت به کشت و مراحل بعدی تا آسیاب کردن و پختن نان می‌رسد. تمام این مراحل با حرکات ریتمیک و فیگوراتیک به نمایش گذاشته می‌شود. بعد از پختن نان با هفت حرکت دست، نان را به پشت سر می‌اندازند. علت این حرکت نامشخص است !!

در مرحله بعد به نیایش می‌پردازند، دو دست را مقابل پیشانی و صورت می‌گیرند اورادی می‌خوانند، چرخ می‌زنند و نیایش می‌کنند. آخرین مرحله شادی و پایکوبی است. چوب بازی در هفت مرحله انجام می‌شود که در حال حاضر از بین رفته و شکل ناقصی از آن باقی مانده است.

در پادگان‌های ایران زمین در زمان‌های گذشته سربازها صبح که از خواب بیدار می‌شدند و عبادتشان را بجای می‌آوردند می‌باید یک یا دو ساعت عملیات میدانی داشته باشند تمام این ورزش‌ها با مشق پیلتان یا مشق پلتان بوده است، به اضافه بسیاری از بازی‌ها و جشن‌های آئینی دیگر که در حال حاضر از بین رفته است یا در حال از بین رفتن‌اند.

مثلاً آهنگ‌هایی در تربت جام هست بنام جنگ راه ببر. رستم افسانه‌ای، ببر بیان را می‌کشد و با پوستش خفتان معروف را درست می‌کند که هیچ صلاحی بر آن کارگر نیست! دقیقاً آهنگ و یک یا دو حرکت از این جنگ «راه ببر» هنوز در تربت جام وجود دارد. جنگ راه عجم، جنگ راه گرد آفرین، جنگ راه اشکیوس، وجود داشته است.

سرباز که حرکت می‌کرد با هنر موسیقایی چنان تهیجش می‌کردند که با قدرت از مرزها و شرف و وطن حمایت و حراست کرده تا پای جان پایداری می‌کرد رقص در واقع یک نوع تربت است!

در دوازده ماه از سال کشتنندگان قبل از اینکه زمین را بکارند اول به «آفر بالا پرده» سالار کشت عبادت می‌کردند. بهترین زمین را انتخاب می‌کردند. بعد نوبت به انتخاب سالار می‌رسید. زمین هفت نفر سالار داشت که هر کدام وظیفه‌ای داشتند. یکی آبیاری، دیگری کود ریختن، یکی بذر پاشیدن و دیگری نگهداری و الی آخر... در تمام دوازده ماه سال با حرکاتی که در «آفره پایین» وجود دارد. دهقان با حرکات سمبلیک از کشتش مراقبت می‌کند در مقابل پرندگان و حیوانات و غیره...

پیتربروک در نیشابور وقتی هنرمندان تربت جام به رهبری استاد